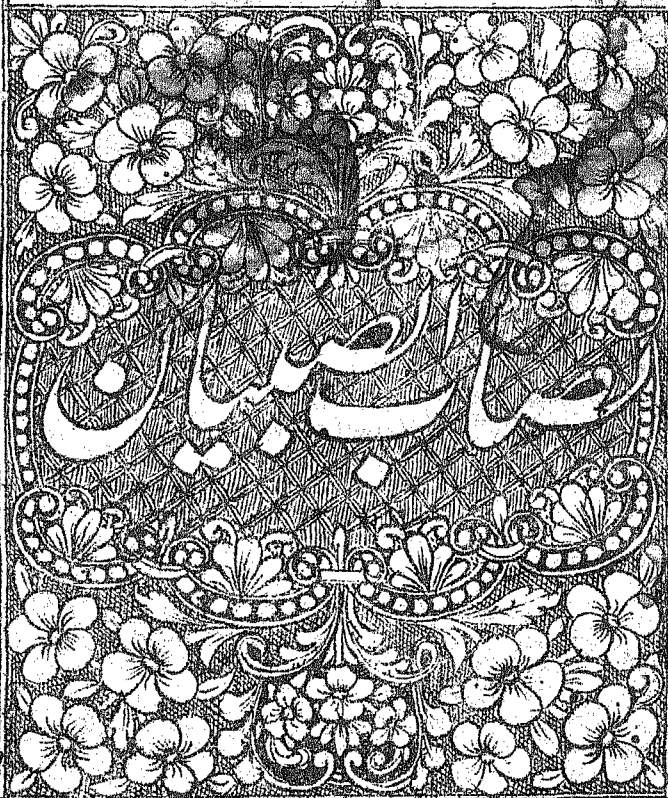


M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE13375

تذکرہ شہداء و شہیدان
کاملاً فصلاً و جزئاً



مکتوبہ مولانا محمد رفیع
مدرسہ اسلامیہ دارالعلوم

تذکرہ شہداء و شہیدان
کاملاً فصلاً و جزئاً
مکتوبہ مولانا محمد رفیع
مدرسہ اسلامیہ دارالعلوم

Aligarh.

MANULLAH COLLEGE

به بحر تقارب تقرب نماے
 فحول فحول فحول فحول
 آله است و ابد و رحمن خدای
 سما آسمان ارض و غیر زمین
 سقر و فرخ و نار آتش ولی
 ریش فش فاحیره و وجه روی
 شفت لب لسان چہ بان موم با
 فرس آب و عسل سر و سرخ زرن
 رجل مرد و مرآة زن و زو ج حب
 ففات ست از عذاب آب و آتش
 کران عود و بریط و سر و سر عود
 ہدی راستی کذب و فریہ و دروغ
 بلبل کورہ را سہر دان شہر ماہ
 شن چہ بہا و بہار و شنی
 عیون شور و حیم و بلیدت کبد

بدین وزن میزان طبع آزمای
 چو گفتی گبوی سپهر دلربای
 دلیل ست و هادی تو گور بهنای
 محل و مکان و مکان ست حای
 که جنت است احسان سیرای
 فخران عقب پاشنه رحل های
 پیر و جاحد دست طعم و نای
 بغیر اسیر است بحر چو درای
 غنی مالدار است و سگین گدای
 چو نبوغ چشمه طاعت ست لای
 ولی صنم چنگ ست و مرار نای
 عقیق و حصو و روح پارسای
 و گرو و رطاق دان طاق نای
 شور ست و یل و یل و یل ای
 بود و زعی المی تیر سیرای

[illegible]

حقیق و جدیر و قہین و حرمے

القطعة الثانية في بحر المحبت المنمن المقصور

زهی بگاش جانها قدوس روان
مفا عین فحلا ن مفا عین فعلات
ضیا و نور و سار و ساقی و سحران
و هب رست حدیله این و صا ص
نحاس و صفر و روی و لک و سیاه
جراز و سیف و حسام و غصاید و صابون
عصب پی و لیمه و خوش و دوزخ
عجاج و وقع و ققام و هباب و مین و عبا
خشا شهابی جان و عراضه و راه و اور
یخوت و نسو و یوق و ست و اول و دوم
صنم و صب و صب و ان و جیت و ملا و
درف و نشانه و عرض و هم و خیمه و گریست

انقطعت البالية في بحر الرمل المثلث المحذوف

[illegible]

پیرہ وال کسارہ آہن کسروان کسارہ

جدوہ دان کیلئے آتش فشاں کیلئے

القطعة الرابعة في بحر المحبت المثنى المقصور

ہی طراوت رویت گل ہمیشہ بہا

سفا علن فطلاتن مفا علن فطلات

پس خبر و کم استین و سبب تیار

خطاب جیب و ساول از ابرو خف بوز

۴
۶
۲

مضره و سور بص

صحیفہ نامہ قلم خامہ دہان

کتاب عامل و عمر و عی عامل

حقیقۃً باع و حبیب محبوب روح معنی

[illegible]

وہی ہے جو کہ

م

سید محمد علی

21

قد تو در حسن سرو خوش ز قمار

بگوئی محبت این پیر را و کن تکرار

تفصیل و نثر و سیر اندک و حساب

۶
قائد سازده و خیرین ز نام میرا

چنانکہ مرکز شکرکراست و حسن

خطاط و محاسب و سوزن و حیرت و غیره

سپین دا در و درین وصاحت
 بیجا بیاد که ان کجا اور ویر باشد

میں نے بھی نہ

من سیرت و تاریخ و جغرافیة

نہایت پرکھتے ہیں کہ یہ کون سا ہے

م م م م م
منها من ايتها مولد خا

۴ - ف - ۴
۴ - ۴ - ۴
۴ - ۴ - ۴

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

چو طلح و موز درخت اراک خط بدان
نزد بارده بود مال بر نهاده لب
شماره خط بود بوی و بوی دان
تصاوغ است گرفتن چو دست یک
رخس شسته نس شونگن برنج
عوان قیبه کالم عرب شوبه دو
مراج جای شتر برض است جای
قصم دان چو زحاف انور واری

چو اشل شور و گز و شوک خار سدره کنار
پلاس پلاس درخت زمین آب عقار
بد و قصر تو ماوراء در اگلاب شما
تغافلست اگر فتن کنار حجر کنار
ذلول رام و دوس خفته و لعل سوار
گرام پر و دُبار یک و یک نیکو نزار
کناس ان و و جاران اهور و کشار
عاقبت تو برده نشوار و چه نشوار

القضية الخامسة في بحر المحبت الثمن المحمود

بریز و صدف سپید اسی نهی
مفاعیلن فو لائن مفاعیلن فعلن
وزیب و رکب و جمیم و شمس و انیس
رحم و ارب و زهدان و خوش ناماد
زکی ست پاک و ضعیف و میان خفی نهی
ملک و شمشیر فلک و شمشیر بر

ز بحر دلکش محبت سفینه ای که
 بخوان ز بعد وی این قطعه نصایب
 ولید و طفل سیمیه ام و والده مادر
 چنانکه صهر حسن و والده اب سید
 جلی پدر و نبی و رسول پیغمبر
 شهاب و گوکب و درری و دیگران

[illegible]

قلوب سیرة شوقی روشنی اول شب
محل بره لیل و نور کا و محل کسین
بید و دور بر ایس امام پیش و خط
علاء سندان پلین تنک منقح دم
سوار و سیت برنجن جو پای را خلیل
بدی نخستین ثانی دوم اخیر پسین
قصص کرت و ولایت قباد و بطر گوی
آجاج تلخ و تنقه پیر ماست مایع شود
شاره خنده بود و اراج و شو اطاب
مجنین نمیه و وقتی کرد و خاله سیوس
چیز ازم تنگ و دفرار دم کجام گام
رکاز و کوه و گنج و صبر فی صرف

<p>القطعة السادسة في بحر الرمل المثنى المحذوف</p>	<p>البحر المثنى المحذوف</p>
<p>البحر المثنى المحذوف</p>	<p>البحر المثنى المحذوف</p>

[illegible]

فریاد فروغ است چو زبانه کیم مرغ خور
 اصف و فاقه چو زردست امروغانی
 جندل و صحر و جویون جلوه جلوه
 جو دشت جو دشت جو دهن کی جو دهن
 عین دراز باز است و عین دراز آنها
 نظر وای می زنده دین و شباب وین
 راز و نیاز با یوان سکنی خوش از خورشید
 باجران سالار بازگان فاجرانیکان

چون غنای گور و تن انجیر و کشی مرد
هست خضر نیز واضح روشن از قیاس
هست حصان سگیزه مار و اوی اسب رود
و عطا و میثاق و تحت بند پیمان و در
چون عشا و ان بی نیازی به خوئی
نوم سیر و جلجان کشید چون شخص
نشر و شتی را پراگنده شهر مجموع کرد
صاعداً و نودی که بالاسیر و دایم بطور

القطعة السابقة في بحر المحبت لمن المقصود

چو قول ز پرده عشاق برکشاید
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
سحال سرفه و سرعت منیاب ^{له} دنگ
لالال باه نوبت و مریه و قمر
اشج شکسته سر و چیه رش افروز گل
قیل کشته و عظم استخوان ضعیف کفایت

بهر مجتهد بر خوان غزل بنه سنگ
 بکوی آشودن عقل و دانش و سنگ
 قصیر کوه و دایره فراخ و خست سنگ
 شاع اوزهر و صنم چه شکوه و رنگ
 اسل و امطع بیدست آن اعوج و سنگ
 چونند و دوب کمر و دایره و سنگ

(Faint handwritten Persian script, likely bleed-through from the reverse side of the page.)

غراب باغ هزار است غنایست و کثرت
 قصب فی آمد و طراف کز ویرای عرو
 مناصح مایم و کانی بسند و طبع منش
 محی قرق ترع و روضه غرار شائس
 سونق است و شیش و برش بلبلور
 فخرانان لعل فخر و ترب لاله کرده
 دلی است زیرک و خرد و خرم و دان

ولی غلامه و کرکی کبوتر است و کلنگ
 چنانکه ثقیان و ساج از دوا و رنگ
 ذلیل خوار عزیز از عین و قصد رنگ
 و طرجه حاجت وصال شتی خصوصت
 جشتم طعام شست و شست شوک تنه بون
 سبب و خواب و شمع فوه لاله و رومنگ
 ادیب ادب آموزان دب و زبان

القطعة الثامنة في بحر التقارب بين السالم

ز رشک قدت سرور پای در گل
 تقارب ازین وزن گردید حاصل
 وطن جا که گرم زریح منبزل
 به ترتیب نامی است روشن بشکل
 چو مرآتج و ماطف خطی و موئل
 فوادست و قلب جنان و ششیل
 یکیهست قاشوره دیگر چه فکسل
 در شرم رخت لاله را خون شده دل
 فعولن فعولن فعولن فعولن
 تراب و رغام و شری خاک و طین
 ده اسپند و تماخن هر کی را
 مجله مصدق و مله
 لطیم و کیتار حاجت عرق خوی
 بدین ده دونی دیگر احاط می کن

[illegible][illegible]

القطعة العاشرة في بحر الخفيف المسدس المخدوف

ماہ سوزون واقفیتا

فا علان متاعن فعلن

من وعن ازابے وحیاً

فی درخت و بلی پروم خند

آجوں اپنے واسے بن

انتم وكم سما وذا النهر

۴۰۰

۲۴۲

پس و پس و بعد پس

[illegible]

مئی و ہندی و ہندو این زن

آن زن چو ملک ستانمرد

بیر خن قطره سرگز ایضاً نیز

استقلال آن در کمی می آید
و منذ و از آن زمان پانزست

وزن بحر خفیف جیست از ما

تقسیم این بیت دان و خوان کلام

این کوکب خون ام و او ما

م ف م ف م ف چگونہ ام م ف

تفسير

[illegible]

میت لوایت زن و سہ ماہی
ع ن م ن ب

بنام محمد مجتبیٰ شاه

سے مروستے مرالسا مارا

ولست انا و لم ي

در اوقات ذاک هم

آخا و پست ایشا

ان م

۲

۶۰۰

11

رسپل و ہمدردی و بلذرت و مکی ہمدردی

نہیم سید و عی نیرجم بدی بی بی شرم

۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

کلیں ہم سخن است و حرف ہم پیشه
اکیل تجر و دهکاسه و سخی هنیام

قرین ندیم بود و همدم و شریک اناز
رفیق یار و موافق عیش و چهر یار

القطعة الثانية عشرة في بحر الرمل المسمى المقصود

ای قدرت سرو خرومان می خست تا کام
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
 قرم و غطریف و حلال سدر اسرار
 عشقه ساخت از کار و قول گفت فعل
 لون ملک بوی می باو عیم و عین
 زبد هسکه برین و عن قطن سیه صوف
 لغت نیم لعل هکست کشت و کج و حل
 نفوس و ضرر آن طغیان خن جلد بو
 آدمی اسمی انسان مردم و می پری
 اصبح انگشت است لیک با نام انگشت
 ستم بیاری و صحت تندستی تیر کیر

ساز و بحر رمل بار و گرسیر مقام
 همچو بلبل بعد ازین این بیت بخوان
 مهرت و دست صدر و چیزی
 جنب بملو جازم سپاس گران طمع
 نوم خواب عیشی رفتن بعد وری گام
 کوز کوزه قصه کاسه قدردیک کاس جام
 کدین خرمن مرده و سه صفت نندرام
 خدیج خوف اندرون صحن خندگی و کام
 اجر مرده و در شوه باره غم تا دان و نام
 باز سپاس است و سطر بصر و خصر نام
 قیج و دم و پیم است خون اس قیجی

القطعة العشرة في كبريا بحث من المقصود

[illegible]

سیم کوی کیم گلی عرج گلی لیم کوی
 سحاب غاروس مرز عام برین
 ریح اسم بهار آمد خرف اسم خزان گه
 غار و حصم و بنم و این اردو خوف ترسد
 ابی کش بطی کابل طری تازہ جی چید
 شغبت طوی عست باوحت
 کلف عشق و صلف لاق و سلف و انین
 نفی و نفی پیر کار و عبقری نیکو
 و تینج و توبینج و الم و دزدوی و نیش
 خضر بار و شمع سر و خونین گرم و خنکین
 صخر و دی پیری فکر کانی سنج ناخوش
 عیانج و سارفت جلانی و نگار
 عین غاب و غیبه لیک شری
 تو فرمهم و فیفا فلات و سبب و پیدا
 عرص و عین و لور و تک و لیک و شک و

[illegible][illegible]

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

مفعول فاعلات مفاعیل فاعلات نیز آب نادران و نادران سحر و حیرت کل و جمیع و قاطبه و جمله دان هم فی جن سداب نوم و قد شیر باد رنگ قباخیا و سلق و خفیدر جزر گرز خندمه فریب و شیرکب و بال ریش ماه شب چهارده بدر سبزه و شمشیر	این بجز امضایع دان ای سیمخت چون ملتجایان و ملک شه سحر و حیرت شیر سبزه و قاطبه و جمله دان هم فی جن سداب نوم و قد شیر باد رنگ قباخیا و سلق و خفیدر جزر گرز خندمه فریب و شیرکب و بال ریش ماه شب چهارده بدر سبزه و شمشیر
---	--

القطعه الثالثة والثلاثون فی بحر الخفيف المسدس المحذوف

ای خط رشک شک تازی فاعلاتن مفاعلن فعلن سکر سیه و صحره شیری مهرم و متقن و ستین حکم وین و ویست و فی تی لیک ابتهال و ضاعت ست و ضرع قسم و حلقه وین سوگند	ذوق بحر خفیف گروار سیه گوئی چون ابلان گزاری نصر خون و مطا حیرت یاری مظلم و دای و در لیم و سیه ذل و ذلت هوای و هوای خری اسکانت نصرع و زاری ذمی و اهل ذمه ز ناری
---	--

این بجز امضایع دان ای سیمخت
چون ملتجایان و ملک شه سحر و حیرت
شیر سبزه و قاطبه و جمله دان هم
فی جن سداب نوم و قد شیر باد رنگ
قباخیا و سلق و خفیدر جزر گرز
خندمه فریب و شیرکب و بال ریش
ماه شب چهارده بدر سبزه و شمشیر

این بجز امضایع دان ای سیمخت
چون ملتجایان و ملک شه سحر و حیرت
شیر سبزه و قاطبه و جمله دان هم
فی جن سداب نوم و قد شیر باد رنگ
قباخیا و سلق و خفیدر جزر گرز
خندمه فریب و شیرکب و بال ریش
ماه شب چهارده بدر سبزه و شمشیر

این بجز امضایع دان ای سیمخت
چون ملتجایان و ملک شه سحر و حیرت
شیر سبزه و قاطبه و جمله دان هم
فی جن سداب نوم و قد شیر باد رنگ
قباخیا و سلق و خفیدر جزر گرز
خندمه فریب و شیرکب و بال ریش
ماه شب چهارده بدر سبزه و شمشیر

این بجز امضایع دان ای سیمخت
چون ملتجایان و ملک شه سحر و حیرت
شیر سبزه و قاطبه و جمله دان هم
فی جن سداب نوم و قد شیر باد رنگ
قباخیا و سلق و خفیدر جزر گرز
خندمه فریب و شیرکب و بال ریش
ماه شب چهارده بدر سبزه و شمشیر

شکرست فوج و مرکب کین اندرون او
 خصیبت و خایه عانه زارست
 کابوش وان سکاچه وضا غوطه
 سناج و نهج و جد و مصدا ورا
 رزق خیک و نخی مشک و قریه عصا
 فدان لیا و نسفه و ایچو نیر حق
 سواة نیچه متعلقه زورست مکر کلید

مهل دهاش قبلش و زب و ایر ز
 تفر خاک سینه و رما عه مارست
 جاثوم کشند و بتاک پرده و
 در و شیرست و غطن و مود و احوار
 شین مشک کنه باشد و صرام چرک
 مساجه و پیل و همسجه مالیه طبع
 باشد شرف و زبیر واکار بزرگ

القطعة السادسة والتشون في بحر المضارع المثنى المشهور

ای جانن زنا و ک چشم تو گشته ریش
 منقول فاعلات مضاعف فاعلات
 عصب چه کرد دست همه برین
 اعصار کرد و باد چه کنار کرد و شال
 حتی تپ مضاعف و فواد و کیا دست
 طهرست پشت و طین شک و قرو و سن
 حانوت چون و کان شد و طینت

بر دل صحبت ز بلای غم تو نیش
 این بحر شد مضارع سازش بود و
 جعبه جعبه و فقه بود و چون کمانش
 ضد جنوب و صبا پس بود و
 در و سر و دل و جگر و جرج و جرجش
 الیه نعامه و نب و شیر مرغ و جعبه
 باشد غری سرشیم و شرط و دق و

نزدک است و کشت
 این ای فوج و مرکب کین اندرون او
 است و خصیبت و خایه عانه زارست
 کابوش وان سکاچه وضا غوطه
 سناج و نهج و جد و مصدا ورا
 رزق خیک و نخی مشک و قریه عصا
 فدان لیا و نسفه و ایچو نیر حق
 سواة نیچه متعلقه زورست مکر کلید
 مهل دهاش قبلش و زب و ایر ز
 تفر خاک سینه و رما عه مارست
 جاثوم کشند و بتاک پرده و
 در و شیرست و غطن و مود و احوار
 شین مشک کنه باشد و صرام چرک
 مساجه و پیل و همسجه مالیه طبع
 باشد شرف و زبیر واکار بزرگ
 القطعة السادسة والتشون في بحر المضارع المثنى المشهور
 ای جانن زنا و ک چشم تو گشته ریش
 منقول فاعلات مضاعف فاعلات
 عصب چه کرد دست همه برین
 اعصار کرد و باد چه کنار کرد و شال
 حتی تپ مضاعف و فواد و کیا دست
 طهرست پشت و طین شک و قرو و سن
 حانوت چون و کان شد و طینت
 بر دل صحبت ز بلای غم تو نیش
 این بحر شد مضارع سازش بود و
 جعبه جعبه و فقه بود و چون کمانش
 ضد جنوب و صبا پس بود و
 در و سر و دل و جگر و جرج و جرجش
 الیه نعامه و نب و شیر مرغ و جعبه
 باشد غری سرشیم و شرط و دق و

جبهه بخا و مفرق و فرق و دماغ
جانب
طلق و محاص و وزه و خیل و شیل
وضع آن بجه که آخر طهرش بود و علو
سطوح و خیمه و غرقه و کفگیر و فرج
شط است ثانی و ولی کهن فساد
سطح و در پرورم خط سفره کما
منجات رنده باشد و مثقال اسکندر
معیار به تر از وی در سنجیم عمو

ام الدماغ جایی وی و جمیع کلمه
غضایت مغز و دماغ و دماغ
آورد و غرضی جدی لفظ ابلیه
مین آنکه باز گویند باید لفظ ابلیه
انضمیمه یک ابیه و طبعی
و کسا کلیم بودار بعین حیل
انضمیمه و جبت کافین و محض مسئله
مشقبت میسر کیم بود و ام
مشقبتین و کسا کلیم بودار بعین حیل

القطعة الخامسة والثلاثون في بحر المجتبت الثمن المجدد

از نور عارض تو چشم راست خنیا
مفانان فطانت مفاعلم فطنت
از کسخت زانبار دان بچو فطنت
نمیر آب گوارنده وان و ازرق حیا
حیر چو بانی بدشت و فطنت
جباب گوید باشد و از آب حیا

ز تاب خورشید نور دل اگر بختیا
دنوان ۱۲
بهر محبت این نظم خوان صبح و ساء
چرخ دایره و روزگار شکی نیست کلا
تند خلق کم و بیش حصار دوان دریا
عشق پیش نهاده و دل حلقه ۱۳
عمیق زلف بود مهر جوی و نول عطا
نقصین را که در لقصه سلطان رسن چو شانا
مهر بخنده رسد ۱۴

[illegible]

Mopharnama Mubtala

عجرت و درک چوروف سرین
 ناس و انس و انس آدمیان
 خن چکا هو و شتر آویشن
 معور در آس و ترسه را محاض
 قنوب سرست و طلع با ترتیب

نشل و کفوت و شبه و نذ همتا
 می نوپند و دوح را خلف
 حلیه و شلیه هست راف کما
 خوشه خورده شکوفه خرما

القطة الماشة والاربعون فی بحر الرمل المخذوف

یافت از شمع جالت نور چشم جبهه
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
 هست منظر روی و مراه و مجل آنست
 عیبر و فاهق نر خیزت اما امان ده خیزت
 چون اکاف ست و ولیه بر دیمه لان

خبر رویان جهان کرد و نگر دت و نگر
 خیزه در رمل بر خوان بصوت خجره
 هست عیسی سنگی موی آن حلاق
 عجل گو ساله و لیکن حسن و نکر
 مقود و انبارست و حجة و علقه نور

خاتمة الطبع

الحمد لله المنة که کتاب نصاب الصبیان از تصنیفات ملا ابو نصر فرای بار دهم پناه اکبر
 مطابق ماه ذیحجه سنه ۱۳۰۰ در مطبع نشی نوکشتو طبع شد

بها و منور است با شریکین
 است که بگوید و آن بگوید
 دوح بر دوح و شتر آویشن
 معور در آس و ترسه را محاض
 قنوب سرست و طلع با ترتیب

ع	عربی
ف	فارسی
س	سپیدی
ت	ترکی
ب	براهمی
ق	لغات
م	مفسر
م	مغرب
ر	ریح
خ	خلف
ش	شتا
ص	صیف
ه	هندی
ج	جمع

بها و منور است با شریکین
 است که بگوید و آن بگوید
 دوح بر دوح و شتر آویشن
 معور در آس و ترسه را محاض
 قنوب سرست و طلع با ترتیب

بها و منور است با شریکین
 است که بگوید و آن بگوید
 دوح بر دوح و شتر آویشن
 معور در آس و ترسه را محاض
 قنوب سرست و طلع با ترتیب

CALL NO. [۱۹۱۵۵۱ (۵)] ACC NO. ۱۳۳۷۵
 AUTHOR ابو زهر
 TITL

Class No. ۱۹۱۵۵۱ Acc. No. ۱۳۳۷۵
 Book No. ۱۳۳۷۵

N Author
 P Title نصاب البيان

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date
NOT TO BE ISSUED			
PERSIAN SECTION			



MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES :

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over-due.

